

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۳۹-۳۶۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1955348.2467](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1955348.2467)

سبک زندگی در نهج البلاغه و بازتاب آن در آثار سعدی

دکتر فاطمه گوشه‌نشین^۱، دکتر مریم شفیعی تابان^۲، دکتر بهنام فعلی^۳

چکیده

توجه به سبک زندگی از مباحث ضروری جوامع امروزی است. این مفهوم بازتاب‌دهنده طیف کاملی از عقاید، ارزش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است که جوامع را از هم متمایز می‌کند. سبک زندگی اسلامی متشکل از مجموعه‌هایی به هم پیوسته از الگوهای رفتاری در زمینه‌های مختلف حیات بشری است. نهج‌البلاغه به عنوان یکی از منابع اصلی اسلامی، دربردارنده شاخصه‌های متعدد سبک زندگی در زمینه‌های مختلف است. از آنجایی که سعدی پرورش‌یافته فرهنگ اسلامی است، در آثار خود به موارد فراوانی از سبک زندگی اشاره کرده که یادآور مؤلفه‌های سبک زندگی در نهج‌البلاغه است. جستار حاضر سعی دارد با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به تأثیرپذیری سعدی از سبک زندگی در نهج‌البلاغه بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سعدی در مؤلفه‌های متعدد ذهنی و عینی سبک زندگی متأثر از نهج‌البلاغه بوده است، با این تفاوت که امام علی (ع) هر مؤلفه را در زمینه‌های مختلفی مانند اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی تحلیل کرده است، اما بررسی‌های سعدی در مؤلفه‌های ذکر شده، محدودتر است و به گستردگی مؤلفه‌های ذکر شده در نهج‌البلاغه نیست.

کلیدواژگان: نهج‌البلاغه، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، سعدی شیرازی، آثار سعدی.

^۱ استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۲ مربی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

^۳ استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



مقدمه

سبک زندگی از مفاهیم مهم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که در دهه‌های اخیر قابلیت و امکان طرح در دنیای مدرن و گفتمان تجدد را داشته است و توانسته موضوع اصلی مطالعات علوم اجتماعی چون جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان، روان‌شناسی، خانواده و ... شود. بدون شک مدل‌های سبک زندگی غربی از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خاصی سرچشمه می‌گیرد که تا حد زیادی با معیارهای اسلامی-ایرانی مغایرت دارد. به عنوان مثال، اصالت فرد در سبک زندگی غربی بسیار مطرح است و نظریه‌پردازان غربی به توجه فرد به خود و کسب سود و لذت بیشتر تأکید دارند. این امر و تفاوت‌های اساسی دیگر، لزوم پژوهش‌های بنیادی سبک زندگی در منابع، متون دینی و فرهنگی را نمایان می‌سازد. یکی از متون دینی و منابع مهم اسلامی که مطالب مفیدی در زمینه سبک زندگی دارد، کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه است. این اثر گرانقدر پس از قرآن کریم، بالاترین میراث فرهنگی اسلام به شمار می‌آید و پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمان‌ها و مکان‌هاست. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، به طور مبسوط به شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی پرداخته است. این کتاب تأثیر ژرفی بر ادبیات اسلامی عربی و فارسی برجای گذاشته و ادبا با اشکال گوناگونی از این میراث فرهنگی و آموزه‌های اخلاقی سود جستند. در آثار سعدی مطالب زیادی درباره سبک زندگی در قالب حکایت ذکر شده که شباهت بسیاری به مطالب نهج‌البلاغه دارد. با توجه به اینکه سخن هر انسانی متأثر از جهان‌بینی، تربیت، محیط، فرهنگ، اندیشه و باورها، شرایط تاریخی و اجتماعی خاص وی است، شیخ اجل سعدی نیز از این تأثیر مستثنی نبوده است.

از آنجا که در کلام امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، شاخصه‌های متعددی از سبک زندگی به وضوح دیده می‌شود و از طرفی دیگر سعدی نیز در آثار خود به بسیاری از مؤلفه‌های سبک زندگی پرداخته که به نظر می‌رسد متأثر از نهج‌البلاغه است، این پژوهش بر آن است که به تبیین اثرپذیری سعدی از نهج‌البلاغه و تحلیل مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی ذکر شده در کتاب دینی، که در آثار سعدی هم بر آن‌ها تأکید شده، بپردازد و به علت محدود بودن حجم مقاله از میان شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی شش مؤلفه توکل، تواضع، صبر و شکیبایی، قناعت، کم‌گویی و گزیده‌گویی، پرهیز از جفا و ظلم انتخاب و بررسی شده است. با توجه به اهمیت سبک زندگی در پرورش نسلی سالم و مطالب مهمی که در نهج‌البلاغه در این مورد ذکر شده، و

نیز توصیه‌های سازنده‌ای که سعدی در آثار خویش درباره سبک زندگی در قالب پند و تمثیل و حکایت‌های آموزنده، ارائه داده است، انجام چنین تحقیقی ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه تحقیق

با توجه به جستجوهای انجام شده، پژوهشی که به بازتاب سبک زندگی از منظر نهج‌البلاغه در گلستان سعدی پرداخته باشد، مشاهده نشده است، اما در مورد مطالعات مرتبط با این موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هادی نظری مقدم (۱۳۹۰) در مقاله «از نهج‌البلاغه تا گلستان» به بررسی تأثیر کلمات قصار نهج‌البلاغه در آثار سعدی و تضمین‌ها و اقتباس‌های وی از کلام آن حضرت پرداخته است؛ محمدمهدی جعفری و شهرام جمالی شیرکوهی (۱۳۹۳) در مقاله «تأثیرپذیری سعدی از نهج‌البلاغه»، پس از آوردن سخنانی در سخنوری امام علی (ع) و گردآوری نهج‌البلاغه به آوردن خطبه‌هایی از نهج‌البلاغه و آوردن نمونه‌هایی از گلستان و بوستان اکتفا نمود؛ وحید سبزیان‌پور (۱۳۸۸) در مقاله «تأثیر نهج‌البلاغه در گلستان سعدی»، به شباهت‌های متعدد میان این دو اثر دست یافت. وجه تمایز این پژوهش با موارد یاد شده در این است که به بررسی مهم‌ترین نمودهای سبک زندگی در نهج‌البلاغه و بازتاب آن نه تنها در گلستان که در همه آثار سعدی می‌پردازد.

روش تحقیق

نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری مطالب، اسنادی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای است. جامعه آماری پژوهش نیز کلیات سعدی به اهتمام محمدعلی فروغی است.

مبانی تحقیق

سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی یا همان روش زیستن یکی از مفاهیم مهم قرن بیستم است که نخستین بار در سال ۱۹۹۲م توسط آلفرد آدلر، روان‌شناس و روان‌کاو اتریشی به عنوان موضوعی در روان‌شناسی مطرح گردید (ر.ک: کاویانی، ۱۳۹۱: ۲۶). آدلر معتقد است سبک زندگی کلیت بی‌مانند و فردی زندگی است که همه فرایندهای عمومی زندگی تحت تأثیر آن هستند (Adler, 1956: 196). سبک زندگی هدف فرد، «خودپنداره»، احساس‌های فرد نسبت به دیگران، و

نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (ر.ک: فیست و فیست، ۱۳۹۴: ۹۷). زیرمجموعه‌شناس مشهور آلمانی سبک زندگی را تجسم بخشیدن به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی می‌داند، به طوری که دیگران بتوانند به واسطه این اشکال متعارف، فردیت و یکتایی افراد را درک کنند (Simmel, 1990: 463). به عبارت دیگر تعریف او از سبک زندگی این است که: «سبک زندگی کل به هم پیوسته صورت‌هایی است که افراد یک جامعه مطابق انگیزه‌های درونی و سلیقه خودشان و به واسطه تلاشی که برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانیشان به انجام می‌رسانند برای زندگی خود برمی‌گزینند» (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳).

آنتونی گیدنز جامعه‌شناس برجسته بریتانیایی در بحث سیاست زندگی درباره سبک زندگی می‌گوید: سیاست زندگی، سیاست فرصت‌های زندگی نیست؛ سیاست زندگی، سبک زندگی است. سیاستی است که با منازعات و کشمکش‌های در باب یک سؤال پیوند دارد: چگونه ما (به نام افراد یا به منزله کلیت جامعه انسانی) باید در دنیایی زندگی کنیم که در آن، آنچه به وسیله سنت یا طبیعت تثبیت شده بود، اکنون موضوع تصمیم‌گیری انسان قرار گرفته است (ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۳۱). به اعتقاد وی، سبک‌های زندگی امکانات مختلفی هستند که افراد برای تولید و بازتولید هویت خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. همه انسان‌ها به‌طور مداوم بر فعالیت‌های خود نظارت دارند. انسان‌ها در روابط اجتماعی، یک حس امنیت وجودی به دست می‌آورند که ریشه آن در مفهوم اعتماد تعمیم یافته است. این اعتماد تشکیل‌دهنده رابطه‌ای است که جهت‌گیری‌های عاطفی و شناختی به سوی دیگران، دنیای عینی و هویت شخصی از آن ناشی می‌شود (ر.ک: همان، ۱۳۸۵: ۶۳).

سبک زندگی اسلامی و شاخصه‌های آن

همه ادیان از سه سرمایه مهم برخوردارند: اول، جهان‌بینی و نظام معنایی که موجب تعالی بخشی انسان نزد افراد می‌شود. دوم، نمادها و شعائری که پیروان هر دینی را متمایز از دیگران می‌کند و سوم، گروه یا اجتماعی از پیروان (ر.ک: همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۹). سبک زندگی ناشی از تمایلات و ترجیحات است و این تمایلات، متأثر از نظام معنایی، آموزه‌ها، نهادها و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد سبک زندگی مبتنی بر آن‌ها توانمند می‌کنند. این گونه سبک‌های زندگی ناشی از یک فرهنگ دینی را می‌توان «سبک زندگی دینی» نامید (ر.ک:

مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). سبک زندگی اموری را در بر می‌گیرد که به مسائل اجتماعی و فردی و ابعاد معنوی و مادی وجود انسان مربوط می‌شود و همان ادراکات، اعتقادات، تمایلات، ارزش‌ها، رفتارهای وی است.

۳۴۳

سبک زندگی از مفاهیم مهم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که در دهه‌های اخیر قابلیت و امکان طرح در دنیای مدرن و گفتمان تجدد داشته است و توانسته موضوع اصلی مطالعات علوم اجتماعی چون جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان، روان‌شناسی، خانواده و... شود. بدون شک مدل‌های سبک زندگی غربی از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خاصی سرچشمه می‌گیرد که تا حد زیادی با معیارهای اسلامی-ایرانی مغایرت دارد. به عنوان مثال، اصالت فرد در سبک زندگی غربی بسیار مطرح است و نظریه‌پردازان غربی به توجه فرد به خود و کسب سود و لذت بیشتر تأکید دارند. این امر و تفاوت‌های اساسی دیگری، لزوم پژوهش‌های بنیادی سبک زندگی در منابع، متون دینی و فرهنگی را نمایان می‌سازد.

بحث

مفهوم سبک زندگی از دیدگاه امام علی (ع) را می‌توان به دو شیوه از نهج‌البلاغه استخراج نمود: اول بر اساس را و رسم زندگی امیرمؤمنان، دوم به کمک سفارش‌ها و آموزه‌های مذکور در نهج‌البلاغه. آن حضرت قبل از اینکه دیگران را به امری توصیه کند، خود بدان عمل می‌نمودند و قبل از برحذر داشتن دیگران از کاری، ابتدا خودشان از آن امر دوری می‌کردند: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْلُكُم عَلَى طَاعَةِ إِيَّايَ وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنهَاكُم عَنِ مَعْصِيَةِ إِيَّايَ وَأَتَنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛ ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر آن که پیش از آن خود، عمل کرده‌ام، و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز آن که پیش از آن، ترک گفته‌ام» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵).

در نهج‌البلاغه مؤلفه‌های متعدد کلی و جزئی ذکر شده است. از جمله شاخصه‌های کلی می‌توان به میانه‌روی و اعتدال، عدالت، پارسایی، تکریم، رفق و مدارا اشاره کرد که در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، نظامی، اعتقادی، دینداری مطالب مهمی دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴). امام علی (ع) علاوه بر اصول کلی، به مؤلفه‌های جزئی زیادی اشاره نموده‌اند که شامل امور ذهنی و عینی می‌باشد که در این پژوهش به بررسی

مؤلفه‌های توکل، تواضع، صبر، قناعت، نحوه سخن گفتن و پرهیز از جفا و جور در نهج البلاغه و حضور این آموزه‌ها در آثار سعدی خواهیم پرداخت.

توکل

۳۴۴

توکل، واگذار کردن امور خود به تدبیر وکیل دارای اختیار مطلق و اعتماد بر کفایت کفیل علی‌الاطلاق ارزاق است (ر.ک: آملی، ۱۳۸۰: ۸۳). توکل پایه ایمان و معیار ارزیابی آن است. ایمان به خدای متعال سرچشمه سبک زندگی اسلامی است. از منظر نهج البلاغه هر کس به خدا توکل کند، از پناه بردن به غیر خدا بی‌نیاز می‌شود: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ؛ هر که به خدا توکل کند، خدا او را بس است» (نهج البلاغه، خطبه ۹۰). امام علی (ع) در سبک زندگی خود به خدا توکل می‌کند و دل به اغیار نمی‌بندد و رسیدن به بهشت و در نهایت وصول به حق تعالی را در گرو توکل به خود خداوند می‌داند (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱). توکل به عنوان یک شاخصه فردی سبک زندگی، ثمرات فردی و اجتماعی متعددی دارد. از جمله فوائد توکل می‌توان به فائق آمدن بر نفس، درمان مشکلات اخلاقی‌ای چون بخل و ترس، عامل پایداری حق‌جویان در صحنه نبرد حق و باطل، سپر حفاظت دین در برابر بدعت‌گذاران اشاره کرد (ر.ک: قنبری، ۱۳۸۹: ۸۱-۷۹).

یکی از موارد مهم توکل که باعث آرامش انسان می‌شود، توکل در کسب رزق است. امام علی (ع) رزق و روزی را به دو دسته تقسیم می‌کند: رزقی که تو آن را طلب می‌کنی و روزی‌ای که آن تو را طلب می‌کند (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۳۱). بی‌شک روزی نوع اول به تلاش و کوشش انسان بستگی دارد، اما روزی نوع دوم چون در اختیار انسان نیست؛ بنابراین انسان باید برای برخوردار شدن از آن به خدا توکل کند. سعدی در گلستان در چندین مورد به توکل در کسب رزق و روزی اشاره می‌کند. در حکایتی مرشدی به شاگرد خود چنین توصیه می‌کند که «ای پسر، چندانکه تعلق خاطر آدمیزاد به روزیست، اگر به روزی‌ده بودی، به مقام از ملائکه درگذشتی» (سعدی، ۱۳۷۶: ۴۵۰). یا «دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم» (همان: ۵۶۸). یا در بخشی دیگر چنین می‌سراید:

جهل رزق ار کنسی و ار کنسی برس‌اند خدای عز و جل
ور روی در دهان شیر و پلنگ نخورندت مگر به روز اجل
(همان: ۵۷۰)

سعدی در حکایتی به صیاد ضعیفی اشاره می‌کند که ماهی قوی‌ای بدامش می‌افتد، اما وی نمی‌تواند آن را از آب به بیرون بکشد. سعدی اشاره می‌کند که آن ماهی روزی صیاد نبوده و امری بی‌اراده خدای متعال صورت نمی‌پذیرد: «صیاد بی‌روزی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل بر خشکی نمیرد» (همان: ۲۷۹). او در هنگام کینه‌توزی دشمنان و بددلی دوستان به تقدیر الهی حواله می‌کند و چنین می‌سراید:

گر گزندت رسد ز خلق مرنج که نه راحت رسد ز خلق نه رنج
از خدا دان خلاف دشمن و دوست کین دل هر دو در تصرف اوست
گر چه تیر از کمان همی‌گذرد از کماندار بیند اهل خرد
(همان: ۱۱۶)

در بوستان در حکایتی از زبان زنی که کودکش تازه دندان درآورده بود و شوهرش نگران نان او بود، می‌گوید: «همان کس که دندان دهد نان دهد» (سعدی، ۱۳۷۶: ۱۴۹)، روح توکل در غزلیات سعدی نیز دیده می‌شود، آنجا که می‌گوید:

بنده را بر خط فرمان خداوند امور سر تسلیم نهادن ز سرافرازی به
(همان: ۲۹۷)

سعدی در قطعات، بسیار زیبا توکل را به تصویر می‌کشد:

یارب این نامه سیه کرده بی‌فایده عمر همچنان از کرمت بر نگرفته‌ست امید
که گرچه مرغ توکل کند به دانه و آب به دست خود ز برای خود آشیانه کند
(همان: ۱۷۹)

سعدی معتقد است که از غیر خدا باید برید و تنها دل در گرو حق بست؛ زیرا قدرت و رحمت وی بی‌همتا و بی‌حد است. او اعتقاد و ایمان پاک و توکل به خدا را راه رسیدن به مقام عرفانی توکل معرفی می‌کند. سعدی به طور تقریبی ۱۵ بار به موضوع توکل اشاره می‌کند.

تواضع

تواضع به معنی فروتنی کردن و در فرهنگ اسلامی وضع نفس با حق است، در جایگاه عبودیت و با خلق در است در جایگاه انعطاف (ر.ک: بارتولد، ۱۳۸۹: ذیل واژه). در واقع تواضع نوعی شکسته‌نفسی است که طی آن انسان خود را از دیگران برتر و بالاتر احساس نمی‌کند و در مقابل آنان با فروتنی و خضوع رفتار کند. چرا که تواضع نصیب هر کسی نیست. به سخن

امیرالمؤمنین تواضع نتیجه فهم و دانایی انسان بلندمرتبه است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۱: ج ۳، ۱۳۳). امام در خطبه قاصعه با ذکر اهمیت تواضع و فروتنی نزد انبیاء و اولیاء به این فضیلت اخلاقی امر می‌کند: «رَضِيَ لَهُمُ التَّوَّاضِعُ فَالْتَصَّقُوا بِالْأَرْضِ خُدُّوهُمْ وَ عَفَّرُوا فِي التُّرَابِ وَجُوهَهُمْ وَ خَفَضُوا أَجْنَحتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ خداوند تواضع و فروتنی را بر ایشان (انبیاء و اولیاء) پسندید. آن‌ها گونه‌هایشان را بر زمین گذاردند و صورت‌هایشان را بر خاک ساییدند و پر و بال خویشان را برای مؤمنان گسترانیدند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲). همچنین آن را عاملی جهت کامل شدن نعمت در زندگی انسان معرفی می‌کند: «بِالتَّوَّاضِعِ تَيْمُّ النِّعْمَةِ؛ با تواضع و فروتنی نعمت کامل می‌شود» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۴). شیطان همیشه سعی دارد با تکبر و غرور انسان را از جاده هدایت بیرون ببرد؛ لذا امام در نهج‌البلاغه برای رویارویی با این دشمن نفس، تواضع را پیشنهاد می‌دهد و آن را محکم‌ترین سنگر در رویارویی با دشمن (شیطان) معرفی می‌کند: «وَأَتَّخِذُوا التَّوَّاضِعَ مَسْلِحَةً بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ؛ تواضع را سنگر میان خود و دشمنان، یعنی ابلیس و سپاهیان‌ش برگزینید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۴).

سعدی به مخاطبان خود یادآوری می‌کند که در سبک زندگی اسلامی باید تواضع و فروتنی را پیشه خود قرار دهند؛ برای همین باب چهارم بوستان را به فضیلت تواضع اختصاص می‌دهد و متذکر می‌شود که برای رسیدن به مقام‌های بلند باید افتادگی پیشه کرد:

بلندیت باید تواضع گزین که آن بام را نیست سلّم جز این
(سعدی، ۱۳۷۶: ۱۱۶)

او معتقد است که تواضع از سوی صاحبان قدرت نیکوتر است:
کله گوشه بر آسمان برین هنوز از تواضع سرش بر زمین
گدا گر تواضع کند خوی اوست ز گردن‌فرازان تواضع نکوست
(همان، ۳۸)

البته در مفردات به این نکته اشاره می‌کند که در سبک زندگی اسلامی در همه کارها حتی تواضع نیز باید اعتدال را رعایت کرد؛ زیرا تواضع بیش از اندازه، غرور طرف مقابل را در پی دارد:

تواضع گرچه محبوبست و فضل بیکران دارد نباید کرد بیش از حد، که هیبت را زیان دارد
(همان: ۱۷۱)

در مجالس پنجگانه بر این ویژگی در تربیت ملوک تأکید می‌کند و می‌گوید: «ابتدا کارها را با نام خدای متعال آغاز کن و بعد تواضع پیش گیر» (همان: ۵۶) و این فضیلت اخلاقی را سلاحی برنده در راه اصلاح تندخویان نادان معرفی می‌کند:

خواهی از دشمن نادان که گزندت نرسد رفق پیش آر و مدارا و تواضع کن و جود
که آهن سخت که بر سنگ صلابت راند نتواند که لطافت نکند با داور
(همان: ۱۳۶)

سعدی شیرین سخن با الگوپذیری از سبک زندگی اسلامی در نهج‌البلاغه تواضع را فضیلتی اخلاقی معرفی می‌کند که سبب رفعت جاه و بلندی مقام انسان می‌شود. بسامد این فضیلت در آثار وی ۳۲ مورد است.

صبر و شکیبایی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی در روابط اجتماعی و تعاملات بین‌فردی، صبر و تحمل است. داشتن این خصلت پسندیده در حفظ و ارتقای روابط اجتماعی و ایجاد صلح و صفا در جامعه نقش اساس دارد؛ زیرا «با صبر و حوصله می‌توان چاره‌اندیشی کرد و بهترین و کوتاه‌ترین راه‌هایی از مشکلات یا کسب پیروزی‌ها را پیدا نمود» (موسی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۹). در فرهنگ نهج‌البلاغه، زندگی انسان در دنیا همراه با مشکلات عجیبی است که اگر صبور باشد و مقاومت به خرج دهد، بدون شک پیروز خواهد شد و اگر ناشکیبایی کند و در برابر حوادث زانو بزند، هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید (ر.ک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۴۴۱). امام علی (ع) یکی از پایه‌های ایمان را صبر می‌داند: «الإيمان على أربع دعائم: على الصبر و اليقين و العدل و الجهاد؛ ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱) و یا در جایی دیگر چنین می‌فرماید: «عليكم بالصبر، فإن الصبر من الإيمان كالرأس من الجسد لا خير في جسد لا رأس معه و لا في إيمان لا صبر معه؛ بر شما باد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی‌سر، ارزشی ندارد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۲). چنان‌که می‌بینیم امام علی (ع) برای صبر اهمیت ویژه‌ای قائل هستند، به طوری که آن را پایه ایمان و چون سر برای بدن در نظر می‌گیرند. امیرالمؤمنان حقیقت صبر را استقامت می‌داند، استقامت در برابر موانع، دردها،

مشکلات: «لَا يَلْعَدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳) انسان شکیبای، پیروزی را از دست نمی‌دهد، هر چند زمان آن طولانی شود.

سعدی در آثار خود نموده‌های مختلف صبر را بسیار زیبای و در قالب حکایاتی دلنشین بیان می‌کند. او معتقد است هر مرادی با شکیبایی و صبر بدست می‌آید و شتابکار ناکام می‌ماند و به هدف نمی‌رسد:

به چشمِ خویش دیدم در بیابان که آهسته سبقت برد از شتابان
سمندِ بادپای از تگ فروماند شتریان همچنان آهسته میراند
(سعدی، ۱۳۷۶: ۲۸۱)

شاعر در جایی دیگر توصیه می‌کند که انسان نباید از گردش روزگار و گرفتاری‌های آن غمگین شود، بلکه باید شکیبایی پیشه کند؛ زیرا اگر چه صبر سخت است، ولی بر اثر آن میوه شیرین کامیابی بدست می‌آید:

منشین ترش از گردشِ ایام که صبر تلخست و لیکن بر شیرین دارد
(همان: ۷۱)

وی حتی پادشاهی که بردباری از ویژگی‌هایش نباشد را دشمن کشور و دین می‌داند: «دو کس دشمن ملک و دین‌اند: پادشاه بی‌حلم و زاهد بی‌علم» (همان: ۵۳۰). سعدی ملقب بودن لقمان به حکیم را به خاطر صبور بودن او می‌داند؛ زیرا شکیبایی خلق و خوی لقمان شده بود: کنج صبر، اختیارِ لقمانست هر کرا صبر نیست، حکمت نیست
(همان: ۱۰۹)

در سبک زندگی اسلامی صبوری از پذیرش بخشش از فرد غنی و توانگر ارزشمندتر است، سعدی در گلستان این مضمون را بسیار زیبا بیان می‌کند:

اگر غنی زر به دامن افشاند تا نظر در ثواب او نکنی!
کز بزرگان شنیده‌ام بسیار صبر درویش به که فضل بذل غنی!
(همان: ۹۸)

در سبک زندگی سعدی به تأثیر از نهج البلاغه، صبر کردن در برابر سرنوشت الهی را تأکید می‌کند:

صبر بر قسمت خدا کردن به که حاجت به ناسزا بردن
تشنه بر خاک گرم مردن به کآب سقا بسی صفا خوردن

(همان: ۱۴۷)

و صبر و شکیبایی بر مصیبت را علامت خداپرستی و ایمان ذکر می‌کند.

خدای عزوجل قبض کرد بنده خویش تو نیز صبر کن ای بنده خدای پرست

(همان: ۶۷)

همچنین صبر را سلاحی کارساز در مقابله با شهوت

نفس پروردن خلاف رأی دانشمند بود طفل خرما دوست دارد، صبر فرماید حکیم

(همان: ۱۰۹)

و نشانه عقل می‌داند:

نفس پروردن خلاف رأی دانشمند بود طفل خرما دوست دارد، صبر فرماید حکیم

(همان)

در نهج البلاغه بی‌صبری را عامل هلاکت و نابودی می‌دانند: «مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرَ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ؛ کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی‌تابی او را هلاک گرداند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۹)، سعدی نیز تحت تأثیر این سخن امام علی (ع)، نتیجه بی‌صبری را ناکامی می‌داند: «کارها به صبر برآید و مستعجل به سر درآید» (سعدی، ۱۳۷۶: ۱۷۶).

در سبک زندگی نهج البلاغه صبر در مقابل ظلم ظالم جایز نیست و باید با آن مبارزه نمود. سعدی نیز ضمن تمثیلی زیبا این به این آموزه اخلاقی اشاره می‌کند:

مکن صبر بر عامل ظلم دوست چه از فربهی بایدهش کند پوست
سر گریگ باید هم اول بریید نه چون گوسفندان مردم دریید

(همان: ۴۳)

صبر در تفکر سعدی جایگاه ویژه‌ای دارد. فضیلتی اخلاقی است که سبب تهذیب نفس و رسیدن به مراحل بالای انسانیت می‌شود. سعدی در آثار خود ۷۹ بار برای مخاطبان از صبر و شکیبایی سخن گفته است.

قناعت

یکی از عوامل مؤثر در سبک زندگی که نقش مهمی در مدیریت فردی، اقتصادی و اجتماعی دارد، داشتن روحیه قناعت است. اگر انسان از ویژگی قناعت برخوردار باشد، حرص درونی او کم می‌گردد و این امر باعث آرامش، رضایت‌مندی و شادکامی وی خواهد شد.

قناعت در لغت به معنای خرسند بودن به قسمت خود، بسنده کردن به مقدار نیاز، صرفه‌جویی، رضادادن به سهم خویش، خشنودی نفس به آنچه از روزی و معاش قسمت او می‌شود، اکتفا به مقدار ناچیز از وسایل زندگی در حد ضرورت و راضی شدن به چیز اندک، می‌باشد (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه قناعت). امام علی (ع) در تفسیر «حیات طیبه» به زندگی‌ای اشاره می‌کند که همراه با قناعت است: «سئل عن قوله تعالی: فَلنُحِیْئَهُ حِیَآءً طِیْبَةً. فَقَالَ: هِیَ الْقَنَاعَةُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹). این تفسیر، کلید سبک زندگی از منظر امام علی (ع) است؛ زیرا اگر انسان به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد، به آسایش دست می‌یابد و آسوده خاطر می‌گردد: «وَمَنْ اِقْتَصَرَ عَلٰی بُلْعِهِ الْکِفَافِ فَقَدْ نَتَّظَمَ الرَّاحَةَ؛ و کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد، به آسایش دست یابد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱). آن امام بزرگوار قناعت را گنجی می‌داند که انسان را از دیگران بی‌نیاز می‌کند: «لَا کَنْزَ اَغْنٰی مِنَ الْقَنَاعَةِ» (همان). هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست. امیر مؤمنان توصیه می‌کند که آدمی از دنیا به آنچه میسر می‌شود و بر آن دست می‌یابد، قناعت کند: «خُذْ مِنَ الدُّنْیَا مَا اَتَاکَ، وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّی عَنْکَ؛ فَاِنْ اَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَاْجْمِلْ فِی الطَّلَبِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۳).

آثار سعدی همچون بسیاری از نویسندگان و شاعران حوزه ادبیات فارسی، متأثر از فرهنگ و اندیشه اسلامی و بر مبنای سبک زندگی اسلامی پدید آمده است (ر.ک: ابراهیمی و ترابی، ۱۳۹۴: ۲۹). سعدی به تبعیت از مبانی اسلامی، قناعت را در شمار بایدهای اخلاقی برمی‌شمارد و این امر آنچنان در نظرش حائز اهمیت است که باب سوم را در گلستان با عنوان «در فضیلت قناعت» به این امر اختصاص می‌دهد. وی در حکایت اول این باب، قناعت را برترین نعمت می‌داند و توانگری حاصل از آن را طلب می‌کند:

ای قناعت، توانگرم گردان که و رای تو هیچ نعمت نیست
(سعدی، ۱۳۷۶: ۲۴۱)

وی توانگری حاصل از قناعت را برتر از دارایی ثروتمندان می‌داند: «توانگری به قناعت به از توانگری بیضاعت» (همان: ۵۳۸). سعدی در حکایتی از بازرگانی صحبت می‌کند که با صد و پنجاه بار شتر و چهل خدمه، شبی را همنشین وی شده بود. بازرگان آنچنان پریشان‌داری و سفرهای تجاری خود بود که تمام شب به سخن گفتن گذراند و در نهایت از سعدی خواست

که او نیز سخنی بگوید. شاعر با سرودن دو بیت وی را به قناعت و پرهیز از طمع‌ورزی دعوت کرد:

آن شنیدستی که در اقصای غور بارسالاری بیفتاد از ستور
گفت: چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور
(همان: ۲۷۳)

سعدی برای قناعت فوایدی را برمی‌شمرد که مهم‌ترین آن دمیدن نور معرفت در وجود انسان است؛ زیرا در بند شکم بودن، توان عبادت را از انسان سلب می‌کند و درون را از حکمت و معرفت خالی می‌کند:

اندرون از طعام خالی دار تا درو نور معرفت بینی
تهی از حکمتی به علت آن که پری از طعام تا بینی
(همان: ۱۸۵)

فایده دیگر قناعت، بی‌نیازی و زیر بار منت دیگران نرفتن است. سعدی در چند جا به این امر اشاره می‌کند:

به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلچ که بار محنت خود، به که بار منت خلق
(همان: ۲۴۳)

باب ششم بوستان سعدی نیز درباره فضیلت قناعت و خرسندی است و در آن شاعر اذعان می‌دارد که قناعت مایه توانگری است:

خدا را ندانست و طاعت نکرد که بر بخت روزی قناعت نکرد
قناعت توانگر کند مرد را خبر کن حریص جهانگرد را
(همان: ۱۴۵)

و در دو بیت زیر بسیار زیبا این فضیلت را به تصویر می‌کشد:

شنیدی که در روزگار قدیم شدی سنگ در دست ابدال سیم
نپنداری این قول معقول نیست چو راضی شدی سیم و سنگت یکی است
(همان: ۱۴۹)

سعدی قناعت را گنج می‌داند و آن را از خدا طلب می‌کند:

خدایا فضل کن گنج قناعت چو بخشیدی و دادی ملک ایمان
(همان: ۱۴۷)

زیرا قناعت نشان آزادی است.

قناعتست و مروت نشان آزادی نخست خانه دل وقف این دوگانه کند
(همان: ۱۴۹)

قناعت یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی است که سعدی به پیروی از نهج البلاغه بر آن تأکید نموده و آن را راه رسیدن به کمال معنوی و سبب وارستگی و آزادگی دانسته است و حدود ۳۸ بار از این مؤلفه مهم سبک زندگی یاد کرده است.

کم‌گویی و گزیده‌گویی

زبان مهم‌ترین کلید بیان عقیده، اخلاق، فرهنگ است و اصلاح و کنترل آن سرچشمه همه اصلاحات فردی و اجتماعی است. گفتار آدمی می‌تواند او را به اوج سعادت برساند یا بر خاک ذلت بنشاند. انسان باید مواظب زبان و سخن‌اش باشد تا از آفات آن در امان بماند. یکی از مهم‌ترین راه‌های کنترل زبان، تمرین سکوت و کم‌گویی است.

امام علی(ع) کم سخنی را نشانه کمال عقل می‌داند: «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ؛ چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود» (نهج البلاغه، حکمت ۷۱)؛ زیرا معتقدند که جبران آنچه با سکوت از دست می‌رود، آسان‌تر از آن چیزی است که با سخن از دست برود: «وَتَلْفِيك مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكِكَ مَا فَاتَ مِنْ مَنْطِقِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). آن بزرگوار زبان را درنده‌ای می‌داند که اگر کنترل نشود، آسیب‌رسان خواهد بود: «اللسانُ سبُعٌ، إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقْرٌ؛ زبان چون حیوانی درنده است که اگر رها شود می‌گزد» (نهج البلاغه، حکمت ۶۰). پرحرفی که نوعاً به دروغ، غیبت، اتلاف وقت، آزار دیگران و... منتهی می‌شود، عوارض منفی متعددی دارد که امام علی(ع) بسیار دقیق آن‌ها را بیان می‌کند: «مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطْوُهُ، وَمَنْ كَثَرَ خَطْوَهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ؛ هر کسی که سخنش افزایش یافت، اشتباهات او نیز فزونی خواهد یافت، و هر کس خطایش افزایش یافت، حیایش کم می‌گردد، و هر کس حیایش کم شد، تقوایش کم می‌شود، و کسی که تقوایش کم شود، دلش می‌میرد، و هر کس قلبش مُرد، به دوزخ وارد خواهد شد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹). آن حضرت سکوت زیاد را از نشانه‌های مؤمن می‌شمارد: «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ، وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ... كَثِيرٌ هَمُّهُ، كَثِيرٌ صَمْتُهُ؛ شادی مؤمن در چهره او، و اندوه وی در دلش پنهان است ... همت او بلند است، سکوتش فراوان» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳). امام علی(ع)

در جای دیگر سکوت را عامل هیبت انسان می‌داند و می‌فرماید: «بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴). البته باید توجه داشت که مراد امیرمؤمنان سکوت مطلق نیست؛ زیرا بسیاری از مسائل مهم زندگی اعم از معنویات، مادیات، عبادات، فراگرفتن علم و فضائل، از طریق سخن گفتن است.

سعدی شیرازی با آگاهی از این امر برای آگاهی مخاطبان باب چهارم گلستان را به «فوائد خاموشی» اختصاص می‌دهد. او زبان را مفتاح گنج هنرمند می‌داند و تأکید می‌کند که به محض سخن گفتن فضائل و ردایلیش آشکار می‌شود:

زبان در دهان ای خردمند چیست کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد چه داند کسی که جوهر فروشست یا پیله‌ور
(سعدی، ۱۳۷۶: ۲۶)

بنابراین انسان‌ها را به کم‌گویی دعوت می‌کند:

مزن تا توانی به گفتار دم نگو گوی گر دیرگوئی چه غم؟
(همان: ۳۷)

او معتقد است تا زمانی که آدمی از صحت گفتار خویش مطمئن نشده، نباید زبان به بیان آن بگشاید و نباید سخنان نکوهیده و ناخوشایند بر زبان نیاورد:

تا ندانی که سخن عین صوابست، مگوی و آنچه دانی که نه نیکوش جوابست، مگوی
(همان: ۴۶۱)

سعدی توصیه می‌کند آن هنگام که انسان درباره موضوعی علم و اطلاعی ندارد، باید سکوت اختیار کند و گرنه رسوا می‌شود:

چون نداری، کمال فضل آن به که زبان در دهان نگه‌داری
آدمی را زبان فضیحه کند جوی بی‌مغز را سبکساری
(همان: ۵۴۳)

سعدی نیز به تأسی از امیرمؤمنان سکوت همیشگی را توصیه نمی‌کند. ایشان خاموشی به هنگام سخن گفتن را نشانه سبک مغزی می‌داند:

اگر چه پیش خردمند خاموشی ادبست بوقتِ مصلحت آن به که در سخن کوشی
دو چیز طیره عقلست، دم فروبستن بوقتِ گفتن و گفتن به وقتِ خاموشی
(همان: ۲۶)

همچنین معتقد است نباید سخن نسنجیده و نابجا گفت، همان طور که نباید بدون اندازه برید: نباید سخن گفت ناساخته نشاید برین نینداخته (همان: ۱۵۳)

آدمی تا زمانی که کلام از دهانش خارج نشده، برگفتار خود تسلط دارد، ولی به محض جاری شدن سخن بر زبان، این سخن است که بر گوینده تسلط می‌یابد.

سخن تا نگویی بر او دست هست چو گفته شود یابد او بر تو دست سخن دیوبندی است در چاه دل به بالای کام و زبانش مهمل (همان: ۱۵۴)

در این بیت برای فهم و درک بهتر مخاطب سخن را به دیوبندی مانند کرده که در چاه دل اسیر است؛ بنابراین باید اول اندیشه کرد و بعد سخن گفت:

نخست اندیشه کن آنگاه گفتار که نامحکم بود بی‌اصل دیوار (همان: ۱۶۱)

از همه مهم‌تر این که سعدی معتقد است که نباید باید به اندازه درک و فهم و دانش سخن گفت و در گفتار باید حق و حقیقت را مد نظر داشت:

سعدیا! چندانکه می‌دانی، بگوی حق نبایند گفتن الا آشکار (همان: ۲۸)

همان طور که در سبک زندگی در نهج البلاغه «لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ، كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ؛ در فرو بستن زبان از حکمت خیری وجود ندارد، همان‌طور که در سخن گفتن نادانسته خیری نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۲)، سعدی سخن را وجه تمایز آدمی از حیوانات معرفی می‌کند و نمودهای مختلف سخن سنجیده و نسنجیده را بازگو می‌کند. شاعر معتقد است که با توجه به آموزه‌های امام علی (ع) در سبک زندگی اسلامی درباره سخن گفتن، ابتدا باید اندیشه کرد و بعد کلام را ادا کرد و سنجیده و بجا سخن گفت؛ زیرا گفتار میزان فهم و درک آدمی را آشکار می‌کند. این مضمون حدود ۴۷ بار در آثار سعدی به کار رفته است.

پرهیز از جفا و ظلم

در فرهنگ اسلامی، مسلمانان از ستم کردن به دیگران نهی شده‌اند. بدون شک، این امر به خاطر آن است که ظلم آثار سویی بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها برجای می‌گذارد. ظلم و

ستم سلامت روحی و معنوی انسان را به خطر می‌اندازد و نظام زندگی اجتماعی را دچار هرج و مرج و نابسامانی می‌کند. در سبک زندگی اسلامی، پرهیز از ظلم، امنیت و آرامش فردی و اجتماعی که زمینه‌ساز تعالی افراد جامعه است را فراهم می‌سازد.

۳۵۵

حضرت علی (ع) آنچنان مراقب رفتار و کردار خود بود که در طول زندگی پربرکتشان کوچک‌ترین ستمی بر کسی روا نداشته است. ستم بر دیگران تلخ‌ترین رنج و شرمندگی در بارگاه الهی و در نظر رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) می‌باشد: «والله لأن أبيت علی حسک السعدان مسهداً، أحب إليّ من أن ألقى الله و رسوله يوم القيامة ظالماً لبغض العباد و غاضباً لشيءٍ من الحُكَّام؛ به خدا سوگند، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم، و یا با غُل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم، و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴). حضرت امیر در خطبه قاصعه به عواقب ظلم و ستم هشدار می‌دهد و مؤمنان را از این عمل قبیح برحذر می‌دارد: «فَاللَّهِ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ، وَ آجِلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ، وَ سَوْءِ عَاقِبَةِ الْكِبْرِ؛ پس، خدا را خدا را! از کیفر تبهکاری در دنیا و زیان ستمگری در آخرت و بدفرجامی تکبیر» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲). با دقت در ساختار عبارت، متوجه می‌شویم که امام علی (ع) جمله خود را با سوگند به خدا آغاز کرده است. این امر بیانگر اهمیت زیاد پرهیز از ستمگری در نظر آن بزرگوار می‌باشد.

سعدی نیز در گلستان پادشاهان را به مهربانی نسبت به مردم و پرهیز از ظلم و ستم به آنان توصیه می‌کند:

نکند جور پیشه سلطانی که نیاید ز گرگ چوپانی
پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار ملک خویش بکند
(سعدی، ۱۳۷۶: ۷۱)

او در ادامه می‌گوید اگر شخصی در هنگام ظلم و بیداد شاه، لاف دوستی و اطاعت بزند، هنگام درماندگی و بیچارگی پادشاه، دشمنی چیره‌دست و نیرومند برای وی شود. بنابراین شاهان را به لطف و عدالت با مردم و پرهیز از ظلم به آنان دعوت می‌کند:

پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیردست دوستدارش روز سختی دشمن زورآورست
با رعیت صلح کن وز جنگ خصم ایمن نشین ز آنکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکرست

(همان: ۷۲)

سعدی در حکایتی دیگر از ظالمی سخن می‌گوید که هیزم‌های فقرا را به قیمت ارزان می‌خرد و به چند برابر قیمت به ثروتمندان می‌فروخت و بدین‌گونه ظلمی آشکار بر مردم روا می‌داشت. اما طولی نکشید که انبار هیزمش آتش گرفت و جز خاکستر چیزی باقی نماند. شاعر درباره وی چنین می‌سراید:

ماری تو که هر که را ببینی، بزنی یا بوم که هر کجا نشینی، بکنی
زورت آر پیش می‌رود با ما با خداوند غیب‌دان نرود
زورمندی مکن بر اهل زمین تا دعائی بر آسمان نرود

(همان: ۱۱۸)

در بوستان بسیار زیبا از نحوه برخورد با ظالم سخن می‌گوید که بر ظالمان بخشش روا مدار که رحمت بر آن‌ها با ستم بر جهانی برابر است؛ بنابراین آنان را نابود کن که ستم بر ظالمان عین عدل و داد است.

مبخشای بر هر کجا ظالمی است که رحمت بر او جور بر عالمی است
جفایندگان را بده سر به باد ستم بر ستم‌پیشه عدل است و داد

(همان: ۹۸)

شاعر در حکایت زیبای «درویش صادق و پادشاه بیدادگر» درس زندگی می‌دهد تا مایه عبرت خوانندگان گردد:

حکایت کنند از جفا گستری که فرماندهی داشت بر کشوری
در ایام او روز مردم چو شام شب از بیم او خواب مردم حرام
همه روز نیکان از او در بلند به شب دست پاکان از او بر دعا

(همان: ۷۲)

حضرت امیر در بحث سبک زندگی حاکمان و شیوه کشورداری آنان نیز، اجرای عدالت و پرهیز از ظلم را در دستور کار قرار می‌دهد و عوارض وخیم ستم را که آوارگی مردم و جنگ و خونریزی است، گوشزد می‌کند: «اسْتَعْمَلِ الْعَدْلَ، وَحَذَّرِ الْعَسْفَ وَالْحَيْفَ، فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶). عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد.

سعدی نیز در رساله نصیحه‌الملوک حاکمان را اندرز می‌دهد که «در پادشاهی چنان کند که اگر وقتی پادشاه نباشد، جفا و خجالت نبیند، همچو زنبور که هر که مر او را ناتوان و افتاده بیند، پای در سر مالد» (سعدی، ۱۳۷۶: ۲۶). اما گاه هنرمندان و خردمندانی را که از زبان افراد نادان و بی‌خرد به ستوه آمده‌اند، دل‌داری می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که اندوهگین و درهم نشوند:

گر هنرمند از اوباش جفایی بیند تا دل خویش نیازارد و درهم نشود
(همان: ۱۳۷)

زیرا حتی پیامبران و پاکان نیز در مقابل جور و طعنه این گونه افراد صبر و شکیبایی پیشه کردند.

برندند پیامبران و پاکان از بی‌ادبان جفای بس‌یاری
(همان: ۱۴۰)

شاعر اصلاح طلب شیرازی با داروی تلخ اندرز به قدرتمندان و حاکمان هشدار می‌دهد که ستم‌پیشگی را رها کنند؛ چرا که به سفارش امام علی (ع) بر ظالمان و ستمگران نباید رحم نمود. همچنین این صفت رذیله را حجاب و مانعی بزرگ در راه رسیدن به کمال می‌داند، لذا مخاطبان را از رفتن در راه ظلم و جور باز می‌دارد. سعدی در آثار خود حدود ۷۴ مرتبه به این مضمون و پیامدهای ناشی از آن اشاره می‌کند.

نتیجه‌گیری

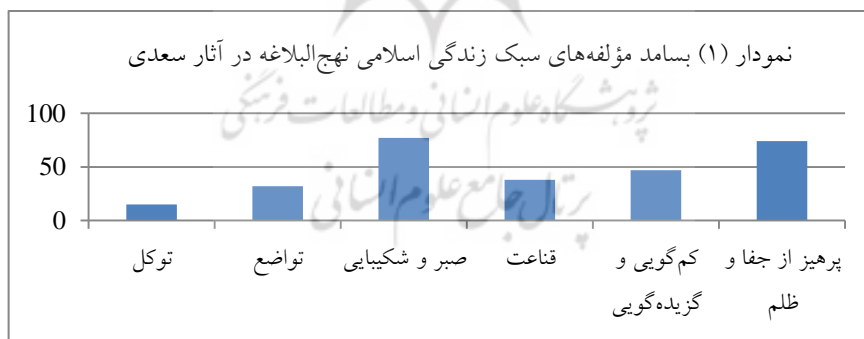
در این پژوهش سبک زندگی در نهج‌البلاغه و بازتاب آن در آثار سعدی مورد بررسی قرار گرفت و به دلیل محدودیت مقاله، شش مؤلفه ارزشمند سبک زندگی اسلامی؛ یعنی توکل، تواضع، صبر و شکیبایی، قناعت، کم‌گویی و گزیده‌گویی، پرهیز از جفا و ظلم انتخاب شده است. حاصل بررسی نشان می‌دهد:

بازخوانی نهج‌البلاغه به عنوان یکی از منابع اصیل اسلامی برای استخراج مؤلفه‌های سبک زندگی، نمایانگر ژرف‌نگری امیرمؤمنان به زندگی و چگونگی زیستن است. امام علی (ع) به ابعاد مختلف زندگی فردی، اجتماعی و ... توجه داشته و مؤلفه‌های زیادی را برای زیستی متعالی و شایسته ارائه می‌دهد. سعدی شیرازی به عنوان نماینده اندیشه و ادبیات اسلامی، به شاخصه‌هایی از سبک زندگی در گلستان اشاره می‌کند که یادآور مضامین مؤلفه‌های مذکور در نهج‌البلاغه است.

امام علی (ع) در نهج البلاغه و به تبع آن سعدی در همه آثار خود اعم از گلستان، بوستان، قصاید، غزلیات، مرثی و .. به هر دو نوع امور یعنی عینی و ذهنی پرداخته‌اند. مثلاً توکل از جمله امور ذهنی است که امیرمؤمنان آن را وسیله بی‌نیازی از دیگران می‌داند و به توکل در کسب رزق و روزی توجه ویژه‌ای می‌نماید. سعدی نیز در حکایت‌های گلستان و بوستان و دیگر آثار به این شاخه سبک زندگی می‌پردازد. نه تنها توکل، که در پنج مؤلفه یاد شده دیگر نیز سعدی تحت تأثیر سبک زندگی اسلامی در نهج البلاغه بوده است و از این مؤلفه‌ها فراوان برای مخاطبان سخن گفته است که بسامد آن‌ها در جدول و نمودار زیر نشان داده می‌شود.

جدول (۱) بسامد مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی نهج البلاغه در آثار سعدی

| ردیف | مؤلفه | بسامد | درصد |
|------|----------------------|-------|-------|
| ۱ | توکل | ۱۵ | ۵/۳ |
| ۲ | تواضع | ۳۲ | ۱۱/۳ |
| ۳ | صبر و شکیبایی | ۷۷ | ۲۷/۲ |
| ۴ | قناعت | ۳۸ | ۱۳/۴ |
| ۵ | کم‌گویی و گزیده‌گویی | ۴۷ | ۱۶/۶ |
| ۶ | پرهیز از جفا و ظلم | ۷۴ | ۲۶/۱ |
| ۷ | جمع کل | ۲۸۳ | ۰/۱۰۰ |



باید توجه داشت که امام علی (ع) در نهج البلاغه این مؤلفه‌ها را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، فردی، اجتماعی، حکومتی، اقتصادی، مدیریتی، سیاسی، نظامی تبیین نموده است. اما در «گلستان» دایره شمولیت این مؤلفه‌ها محدود است و بیشتر فردی، اجتماعی و حاکمیتی است.

منابع

کتاب‌ها

آملی، شمس‌الدین (۱۳۸۰) فرهنگ اصطلاحات و تعریفات (نغایس الغنون)، به کوشش بهروز ثروتیان، تهران: فردوس.

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد (۱۳۸۹) فرهنگ اسلامی، ترجمه لیلا ربن‌شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹) منظر مهر؛ مبانی تربیت در نهج‌البلاغه، تهران: دریا.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۷۶) کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.

شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۹) نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، قم: مشهور.

فیست، جس و فیست، گرگوری (۱۳۹۴) نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.

کاویانی، محمد (۱۳۹۱) سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی، ترجمه منصور صبوری، تهران: نی.

مقدس‌نیا، محمد، محمدی، محمد مهدی (۱۳۷۹) آداب معاشرت، قم: پیک جلال.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۵) اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی (ع).

مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷) دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

همیلتون، ملکم (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

مقالات

ترابی، زینب، ابراهیمی، ابراهیم. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فرهنگ قناعت در قرآن کریم و بوستان و گلستان سعدی. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۳(۳)، ۲۳-۴۸. Dor:20.1001.1.2345223.4.1394.3.3.2.6

رستمی، احسان، اردشیرزاده، مرجان. (۱۳۹۲). نگاهی به نظریه‌های سبک زندگی. مطالعات سبک زندگی، ۲(۳)، ۳۱-۹.

قنبری، بخشعلی. (۱۳۸۹). توکل در نهج‌البلاغه. اسلام‌پژوهی، ۴(۴)، ۸۴-۶۱.

موسی زاده، حسینعلی، سیدصادقی، سیدمحمود، حمیدی، سیدجعفر. (۱۳۹۴). جلوه‌های صبر در گلستان و بوستان سعدی. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۷(۲۴)، ۹-۲۷.

منابع لاتین

۳۶۰

Adler, A (1956) *The Individual Psychology of Alfred Adler*, New York: Basic Books Inc.

Simmel, G (1990) *The Philosophy of Money*, Tom Bohomer & Pavid Frisby (Trans), Second enlarged Ed. New York: Routledge.

References

Books

Amoli, Shamsuddin (2001) *Dictionary of Terms and Definitions (Nafais Al-Fonun)*, by Behrouz Servatian, Tehran: Ferdows.

Barthold, Vasily Vladimirovich Barthold (2010) *Islamic Culture*, Trans. Leila Rabneshe, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.

Dehkhoda, Ali Akbar (1998) *Dehkhoda Dictionary*, Tehran: University of Tehran.

Delshad Tehrani, Mostafa (2000) *Manzar Mehr; Fundamentals of Education in Nahj al-Balaghah*, Tehran: Darya.

Fist, Jess and Fist, Gregory (2015) *Personality Theories*, Trans. Yahya Seyed Mohammadi, Tehran: Ravan.

Giddens, Anthony (2009) *Sociology*, Trans. Mansour Sabouri. Tehran: Ney.

Hamilton, Malkam (2008) *Sociology of Religion*, Trans. Mohsen Thalasi, Tehran: Sales.

Kaviani, Mohammad (2012) *Islamic lifestyle and its Measurement Tools*, Tehran: Hozeh Research Institute and University.

Mahdaviyani, Mohammad Saeed (2008) *Religion and Lifestyle*, Tehran: Imam Sadegh (AS) University.

Makarem Shirazi, Nasser (2006) *Ethics in the Quran*, Qom: Imam Ali (AS) School.

Moqaddasnia, Mohammad and Mohammadi, Mohammad Mahdi (2000) *Social Etiquette*, Qom: Peyk Jalal.

Saadi, Mosleh Ibn Abdullah (1997) *Koliat Saadi*, by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Amirkabir.

Sharif al-Radhi, Muhammad ibn Husayn (2000) *Nahj al-Balaghah*, Dashti translation, Qom: famous.

Articles

Ghanbari, B.A. (2010). Trust in Nahjul Balagha. *Islamic studies*, (4), 61-84.

Mousazade, H. A., SeyyedSadeqi, S. M., Hamidi, S. (2015). Manifestation of Patience in Sa'adi's Gulistan and Bustan. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 7(24), 9-27.

Rostami, E., Ardeshtirzadeh, M. (2012). A Look at Lifestyle Theories. *Lifestyle Studies*, 2(3), 9-31.

Torabi, Z., Ebrahimi, E. (2016). A Comparative Study of the Culture of Contentment in the Holy Qur'an and in Saadi's Bustan and Gulistan. *Literary Quranic Researches*, 3(3), 23-47. dor: 20.1001.1.23452234.1394.3.3.2.6.

Latin References

Adler, A (1956) *The Individual Psychology of Alfred Adler*, New York: Basic Books Inct

Simmel, G (1990) *The Philosophy of Mony*, Tom Bohomer & Pavid Frisby (Trans), Second enlarged Ed. NewYork: Routledge.



Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)
Volume 15, Number 56, Summer 2023, pp. 339-362
Date of receipt: 18/3/2022, Date of acceptance: 18/5/2022
(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1955348.2467](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1955348.2467)

Lifestyle in Nahj al-Balaghah and its Reflection in Saadi's Works

Dr. Fatemeh Gushneshin¹, Dr. Maryam Shafiei Taban², Dr. Behnam Feeli³

۳۶۲

Abstract

Paying attention to lifestyle is one of the essential issues in today's societies. This concept reflects the full range of ideas, values and social activities that distinguish societies. The Islamic way of life consists of interconnected sets of behavioral patterns in various fields of human life. Nahj al-Balaghah, as one of the main Islamic sources, includes various characteristics of lifestyle in various fields. Since Saadi is the product of Islamic culture, he has mentioned many cases of lifestyle in his works, which are reminiscent of the components of lifestyle in Nahj al-Balaghah. The present paper tries to rely on the descriptive-analytical method to influence Saadi's lifestyle in Nahj al-Balaghah. The results of the research show that Saadi has been influenced by Nahj al-Balaghah in various mental and objective components of lifestyle, with the difference that Imam Ali (AS) has analyzed each component in different fields such as belief, social, political, military, economic, but Saadi's studies on the mentioned components are more limited and It is not as extensive as the components mentioned in Nahj al-Balaghah.

Keywords: Nahj al-Balaghah, lifestyle, Islamic lifestyle, Saadi Shirazi, Saadi's works.



¹ . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. Fatemeh.gooshehnesi@pnu.ac.ir

² . Instructor of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Shafieetaban_m@pnu.ac.ir

³ . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. behnamfeali@pnu.ac.ir